

ترجمان جهان اسلام

کنش دینی و نوسازی عقل
طاها عبدالرحمان
ترجمه هادی بیگی



www.ketab.ir



دانشگاه علوم اسلامی

این اثر ترجمه‌ای است.

العمل الديني و تجديد العقل

طاها عبدالرحمان

المركز الثقافي العربي (١٩٩٧، بيروت)



سرشناسه : عبدالرحمن، طه Abdal-Rahman, Taha

عنوان قراردادی : العمل الديني و تجديد العقل، فارسی

عنوان و نام پدیدآور : کتشی دینی و نوسازی عقل / طاها عبدالرحمان؛

ترجمه هادی بیگی.

مشخصات نشر : تهران : ترجمان علوم انسانی، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری : ۲۹۶ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۹۱-۱۸-۱۹

و وضعیت فهرست نویسی : فیبا

شناسه افزوده : بیگی، هادی، ۱۳۶۰- مترجم

رده بندی کنگره : B۸۳۳ / ۸۰۴۱۴۲۶ / ۱۳۹۶

رده بندی دیویی : ۱۴۹ / ۷

شماره کتابشناسی ملی : ۴۴۴۳۳۴

کنش دیرین سماز

نویسنده: طاهر الدار سماز

مترجم: هادی بیگی

مقابله‌کننده: محدثه ساد شبر

ناشر: ترجمان علوم انسانی

ویراستار: سید محمد حسین میرفخرانی

طراح جلد: محمد امین عمواشمی

صفحه‌آرا: علی اصغر مالک

چاپ: زیتون

نوبت چاپ: اول، بهار ۱۳۹۶

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

این اثر با حمایت پژوهشگاه فرهنگ،

هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد

اسلامی به چاپ رسیده است.

ترجمان: تهران، خیابان نجات‌اللهی، خیابان اراک،

پلاک ۴۶، واحد ۴، تلفن: ۸۸۸۰۲۰۹۰

پست الکترونیک: info@tarjomaan.com

حقوق چاپ و نشر در قالب‌های کاغذی،

الکترونیکی و صوتی، انحصاراً برای انتشارات

ترجمان علوم انسانی محفوظ است.

تذکره مترجم	۹
مقدمه	۳۷
[باب نخست]	۴۱
عقل و عرد و عود آن	
[۱] دو مقدمه عقلا عرد	۴۵
[۲] حدود و ویژه علم عرد	۵۵
[۳] محدودیت‌های علم عرد	۷۱
[باب دوم]	۸۷
عقل مسدود و آفات آن	
[۴] دو مقدمه در باب عقل مسدود	۹۱
[۵] ممارست فقهی و آسیب‌های اخلاقی عقل مسدود	۱۰۹
[۶] ممارست سلفیه و آسیب‌های علمی عقل مسدود	۱۲۹
[باب سوم]	۱۵۹
عقل مؤید و کمال‌های آن	
[۷] دو مقدمه عقل مؤید	۱۶۳
[۸] ممارست صوفیه و کمالات تحقیقی عقل مؤید	۲۰۵
[۹] فعالیت صوفیه و کمالات اخلاقی سازی عقل مؤید	۲۳۵
خاتمه [چکیده‌ای درباره قوانین مراتب عقلانیت]	۲۷۷
نمایه	۲۸۱

مقدمه مترجم

طاها عبدالرحمان در ۱۹۴۴ در شهر جدید مغرب به دنیا آمد. این شهر در ساحل اقیانوس اطلس و در دویست کیلومتری رباط، پایتخت مغرب، واقع است. او مسلمان و مانند اکثر هم وطنانش بود. پدرش مالکی است. پدرش فقیه بود و عبدالرحمان مقدمات علوم اسلامی را در او، وحتی پس از پایان تحصیلات متوسطه به فلسفه روی آورد. عبدالرحمان بخشی از رشته خود را در رشته راد در کشور خود پی گرفت و سپس به دانشگاه سوربن فرانسه رفت. از سوربن دو مدرک دکتری دریافت کرد: نخست، در سال ۱۹۷۲ و با رساله‌ای تحت عنوان «مباحث فلسفه؛ بررسی ساخت‌های زبانی هستی‌شناسی» که تاکنون به عربی انتشار نیافته است، دوم، در سال ۱۹۸۵ و از همان دانشگاه و با رساله‌ای تحت عنوان «مباحث منطقی» که تاکنون به عربی انتشار نیافته است. این رساله نیز، مانند رساله قبلی، تاکنون به عربی منتشر نشده است.

عبدالرحمان پس از این به مغرب (مراکش) بازگشت و در «شده‌ناه» «حمد پنجم» شهر رباط به تدریس و تحقیق مشغول شد. عبدالرحمان به گفته خودش ابتدا «دنیای شعر و تجارب شاعرانه میانه داشته و قصایدی می‌سروده که اعجاب اطرافیان را برپا داشته است. شکست اعراب از اسرائیل در جنگ سال ۱۹۶۷ اتفاقی است که او را از دنیای خیال و شعر می‌گسلد و به‌طور جدی وارد عرصه اندیشه‌ورزی و نظریه‌پردازی می‌کند. این اتفاق نه تنها برای عبدالرحمان، بلکه برای بسیاری از اندیشمندان عرب محور تأملات جدیدی قرار گرفت و روند اندیشه‌ورزی آنان را دستخوش تحولاتی ساخت.

1. «Language et philosophie: essai les structures linguishques»

2. «de raisonnements argumentative et hatureles hes logiques»

او این شکست را همچون زلزله‌ای توصیف می‌کند که در میانه تحصیلات دانشگاهی برایش اتفاق می‌افتد. در این هنگام است که او به روش خود در اندیشه و نوشتن بدبین می‌شود و درمی‌یابد که این روش آن روش مطلوبی نیست که امت در وضعیت کنونی خود به آن نیاز داشته باشد. این شکست عبدالرحمان را برآن داشت تا عقل و عقلانیتی را که به شکست امت عربی انجامید به پرسش بگیرد و راز این شکست و هزیمت را در ناکارآمدی آن جست‌وجو کند. خودش در این باره می‌گوید: «در این دوره بود که مصمم شدم دنیای شعر را واگذارم و هرچند زبان محالم این بود که 'امروز شعر و فردا اندیشه'، به ناما راندیشه روی آوردم.»^۱ پس او برآن شد که در پی عقلی باشد که مسلمانان و اعراب را از این شکست‌ها و رخوت‌ها برهاند و در آستانه پیروزی‌های همه‌جانبه قرار دهد.

۲. زبانی و مرور اجمالی مهم‌ترین آثار طاهای عبدالرحمان

۱. اللغة والفلسفة در ابی فی البنیات التقویة للأنطولوجیا

این کتاب، که در سال ۹۱۱ در مغرب به زبان فرانسوی منتشر شده، پایان‌نامه عبدالرحمان برای اخذ دکتری اول است. از نگاه سورین است و تاکنون به عربی ترجمه نشده است. این کتاب به بررسی ساخت‌های زبانی هستی‌شناسی می‌پردازد و در این باره توجهی ویژه به تجربه و اعمال زبانی مترجمان راییه عرب دارد که فلسفه یونانی را به جهان اسلام منتقل کردند. همچنین، به رویکردی فلسفی در جهان اسلام و به ویژه به این رشد و نحوه برخورد فیلسوفان مشاء با زبان در اشاره می‌کند. این اثر زیربنای پروژه فقه فلسفه است. به نظر عبدالرحمان، متعاطیان فلسفه در جهان اسلام درباره زبان به خطا رفته بودند و اندیشه جهانی بودن فلسفه چنان برآذهن آنان سطره یافته بود که به سوی ابداع و نوآوری فلسفی گام برندا شدند.

۲. المنطق والتحو الصوری

این کتاب، که در سال ۱۹۸۳ انتشار یافت، به لحاظ حضور پررنگ مباحث منطقی و زبان‌شناختی و ریاضی در آن، با دیگر تألیفات طاهای عبدالرحمان متفاوت به نظر می‌رسد،

۱. عبدالرحمان، الحوار افقاً للفکر، ص ۲۷.

هرچند در سراسر پروژۀ فکری عبدالرحمان تکیهٔ اصلی او بر زبان طبیعی و ظرفیت‌های آن است. عبدالرحمان این کتاب را با تأسی به کتاب ساخت‌های نحوی نوام چامسکی به نگارش درآورده است. چامسکی در کتابش به موضوع کاربرد ابزارهای صوری و ریاضی در مطالعهٔ پدیده‌های نحوی پرداخته است. ظاهراً عبدالرحمان نیز همین موضوع را برای خوانندهٔ عرب و در سیاق زبان عربی پیگیری کرده و در پی آن است که اهتمام پژوهشگر عرب را به مطالعات زبان‌شناسی و منطقی جدید معطوف دارد.

۳. فی اصلا الحور و تجدید علم الکلام

این کتاب جتهد عبدالرحمان در نوسازی و متحول‌ساختن مناظره و علم کلام به حساب می‌آید. او در این کتاب به پدیدهٔ گفت‌وگوی میان انسان‌ها پرداخته و مخاطب را دارای سه کارکرد دانسته است: رساندن پیام، استدلال و جهت‌دهی. به نظر او این سه کارکرد در فرهنگ عربی و «راه‌نما» ظاهر وجود دارد. عبدالرحمان در این کتاب به ساختن مدلی از گفت‌وگو برای انسان می‌پردازد و آن را دارای سه مرتبه می‌داند: «حوار»، «محاوَره» و «تحاور». «حوار» در حوزهٔ نظریه‌های رایج و در تحلیل گفتار با نظریه‌های عرضی و یک‌طرفه مناسبت دارد. «محاوَره» نیز با نظریهٔ انتزاعی و تحاور نیز با نظریهٔ تعارضی همخوان است.

۴. تجدید المنهج فی تقویم التراث

عبدالرحمان در این کتاب دربارهٔ نحوهٔ مواجهه و چگونگی بهره‌گیری از میراث نظریه‌پردازی می‌کند. در این کتاب دیدگاه اصلی مؤلف این است که نباید میراث را با ابزارهای غیروومی و به صورت تجزیه‌ای مطالعه کرد. طرف بحث نویسنده در این کتاب محمد عابد الجابری اندیشمند هم‌وطن اوست. نگاه جابری به میراث این است که بخشی از آن را بر بخشی دیگر ترجیح دهد. او به‌ویژه میراث حوزهٔ اندلس و غرب اسلامی را تلقی به قبول می‌کند و از بخش مشرقی میراث اسلامی چشم می‌پوشد

۱. توضیح اینکه «حوار» در موقعیت‌هایی است که دو نفر صحبت می‌کنند و نسبت به گفته‌های هم اعتراض یا پرسشی مطرح نمی‌کنند. در «محاوَره» پرسشگری و اعتراض وجود دارد. در «تحاور» نیز کار به مخالفت کشیده می‌شود [مترجم].

و با آن سراناسازگاری پیش می‌گیرد. اما عبدالرحمان در این کتاب، ضمن تأکید بر اینکه ابزارها و روش خوانش میراث باید اصیل و بومی باشند یا به مقتضای حوزه استعمال اسلامی بومی شوند، نظریه‌ای مبسوط درباره نحوه بومی سازی امور غیربومی مطرح می‌کند. نگاه او به میراث، برخلاف جابری که «تفاضلی» بود، نگاهی «تکاملی» است، به طوری که مجموعه میراث اسلامی، در کنار هم و با هم، یک کل متکامل را پدید می‌آورند.

۵. فقه الفلسفة؛ الفلسفة والترجمة

نگاه ستیگاه پروژه فقه فلسفه را باید در بحران نبود نوآوری در فلسفه عربی جست‌وجو کرد. این پروژه در پی تصحیح نگاه تقلیدی به فلسفه است و در آغاز، مسئله ارتباط فلسفه و ترجمه مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد. همچنین، به راه‌هایی می‌پردازد که به سبب آن‌ها فلسفه عربی متحول و موانع نوآوری از مسیر آن برداشته می‌شود. عبدالرحمان در این - لدا از - پروژه فقه فلسفه از دیدگاهی علمی به بررسی پدیده فلسفی می‌پردازد و از اسرار آن می‌گوید. او همچنین ضمن برشمردن انواع سه‌گانه ترجمه یعنی تحت اللفظی (تحصیلی)، فقهی (تأصیلی) و بومی شده (تأصیلی)، ترجمه مطلوب را همان ترجمه بومی شده می‌داند و در این باره و از باب مثال، به ترجمه بومی شده کوچیتوی معروف دکارتی می‌پردازد و آن را تحت عنوان «أَنْظُرْ تَجِدْ» (نگاه کن تا بیابی) ترجمه می‌کند.

۶. اللسان و المیزان أو التكوثر العقلي

این کتاب (زبان و منطق) نقش مقدمه را برای پروژه فقه فلسفه دارد و مشتمل بر پژوهش‌هایی در حوزه زبان، منطق و فلسفه است. عبدالرحمان در این اثر می‌کوشد که پیوند زبان با منطق و نیز پیوستگی فلسفه و منطق را نشان دهد. او در این کتاب تجربه شخصی خویش را مطرح می‌کند که در آن، فهم دانشگاهی و تلاش فردی را با هم جمع کرده است. عبدالرحمان در این کتاب به حوزه‌هایی می‌پردازد که نمایانگر عقل زایشی و جوشنده است و با این عقل زایشی می‌کوشد از عقلانیت ایستا و تنگ دامنه‌ای عبور کند که در تفکر ابزاری و تجربیدی تبلور می‌یابد. در این راستا او به زبان طبیعی توجه می‌کند و از جدیدترین یافته‌های علمی حوزه‌های منطق و ریاضی و زبان الهام می‌گیرد.

۷. فقه الفلّسفی

این کتاب دومین جزء از پروژه فقه فلسفه است. فقه فلسفه شاخه‌ای علمی است که به پرسش‌هایی درباره فلسفه پاسخ می‌گوید و طبیعی است که جای این پرسش‌ها در خود فلسفه نباشد. موضوع این علم پدیده‌های گفتاری و رفتاری فلسفه است و روش آن روشی تلفیقی است و از سازوکارهای مختلفی بهره می‌برد. هدف فقه فلسفه رسیدن به توان فلسفیدن و نوآوری فلسفی است. این کتاب نیز درحقیقت در حوزه نظریه پردازی برای تولید فلسفه‌ای عربی جای می‌گیرد که می‌خواهد بنیان‌های خود را از زبان بگیرد و به زبان عرفاء فلسفه پردازی توجه خاصی کند. به نظر عبدالرحمان، زبان دربردارنده توانایی‌ها و ظرفیت‌ها، خوبم، برای فلسفیدن است.

۸. سؤال الأخلاق: أسئلة في النقد الأخلاقي للحداثة الغربية

این کتاب درباب نقد اخلاق مدرن، غرب است و عبدالرحمان اساس آن را با جمع بین دین و اخلاق بنیان می‌گذارد. او خود اذعان می‌کند که این‌گونه نقدی بر مدرنیته در آغاز امر مورد انکار و استبعاد قرار می‌گیرد، اما اگر منکران خوب بنگرند، درمی‌یابند که آنچه را در حق دیگران مجاز می‌دانند در حق خود ممنوع کرده‌اند، یعنی اگر نقد امر دینی با امری غیردینی مجاز باشد، پس چرا نباید امر غیردینی را نیز با امر دینی نقد کرد؟ همچنین اگر جایز باشد که اخلاق اسلامی به وسیله مدرنیته سکولار نقد شود و حال آنکه این دوازدهم جنس هم نیستند، پس چه ایرادی دارد که مدرنیته سکولار نیز به وسیله اخلاق اسلامی نقد کرد؟ این کتاب در سال ۲۰۰۰ جایزه آیسسکورا برد و کتاب سال جهان اسلام معرفی شد.

۹. الحق العربی فی الاختلاف الفلّسفی

ادعای اصلی این کتاب این است که فلسفیدن حق همه ملت‌ها و همه زبان‌هاست و اسطوره فلسفه واحد جهانی بی‌معنی است، زیرا واقعیت تاریخی تفکر فلسفی این امر را تأیید نمی‌کند، بلکه آنچه در تاریخ یافت می‌شود تشتت بی‌پایان رویکردها و نحله‌های فلسفی است، به طوری که در یک زمان و در یک جغرافیا چندین رویکرد فلسفی مخالف وجود دارد. این پدیده تا دوره معاصر نیز ادامه یافته است؛ مثلاً در فلسفه آلمان از رویکردها

و اشخاص متفاوتی سخن می‌گویند که سختی با هم ندارند: در طرفی نیچه قرار دارد و در طرف دیگر هگل و امثال او. فلسفه آلمان با فلسفه انگلستان تفاوت‌هایی بنیادین دارد و هر دوی این‌ها نیز با فلسفه فرانسه و امریکا متفاوت‌اند. تلاش عبدالرحمان در این کتاب مصروف ابطال ادعای فلسفه واحد و نیز تلاش در جهت مقدمه چینی برای عرصه فلسفه جدید عربی است. نویسنده در این کتاب برای نهضت مقاومت در برابر اسرائیل نیز دست به فلسفه پردازی می‌زند.

۱۰. الحق الإسلامي في الاختلاف الفكري

ع- الرحمان در این کتاب به این مسئله می‌پردازد که امت اسلامی چگونه به مسائل زمانه‌شان پاسخ بگویند. این پرسش مشروعیت اختلاف فکری را نیز در ضمن خود دارد و عبدالرحمان می‌گوید با استفاده از توان منطقی روش خود به آن می‌پردازد. عبدالرحمان پاسخ اسلامی به پرسش‌های عصر را دارای دو رکن می‌داند: ۱. ایمان که با نگاه ملکوتی و با تأمل در آیات و نشانه‌های الهی حاصل می‌آید و زیربنای نگاه ملکی و نظر در پدیده‌ها به منظور رسیدن به علم رفناورانه است؛ ۲. تخلق که با تعامل و همکاری با امت‌ها و اشخاص مختلف و براساس کنش‌هاست. یعنی کنش به صورت معروف و بر امر معروف، به دست می‌آید و جوهره ارتباط با همه بشریت است. طاهای عبدالرحمان در این کتاب انسان‌شناسی مفصلی را براساس انواع کنش مطرح می‌سازد که زیربنای نظریه عقلانیت او نیز به حساب می‌آید.

۱۱. روح الحدائنة؛ مدخل إلى تأسيس الحدائنة الإسلامية

این کتاب، در ادامه طرحی که با سؤال الأخلاق آغاز شده بود، زیربنای اساسی تأسیس مدرنیته اسلامی را بررسی می‌کند. عبدالرحمان در این کتاب «واقعیت تاریخی مدرنیته» و «روح مدرنیته» را تفکیک می‌کند و روح مدرنیته را مبتنی بر سه اصل «رشد، نقد و شمول» می‌داند. او همچنین همه ملت‌ها را، در انتساب به این روح، یکسان معرفی می‌کند. به نظر عبدالرحمان، روح مدرنیته متعلق به تمدن و ملت خاصی نیست و همه اقوام و امت‌ها می‌توانند با توجه به اقتضائات فرهنگی و تاریخی خود به این روح تحقق ببخشند.

۱. کنش بر امر معروف یعنی عمل خیر را به صورت اخلاقی و شایسته انجام دادن [مترجم].

او همچنین تحقق این روح در مدرنیته غرب را تحقق ناقص می‌داند و درصدد است که به سوی تأسیس و تحقق اسلامی این روح برود.

۱۲. الحداثة و المقاومة

این کتاب امتداد پروژه الحقی العربی فی الإختلاف الفلسفی است و نویدبخش فلسفه‌ای کاربردی است. عبدالرحمان در این کتاب به فلسفه‌پردازی درباره جریان مقاومت و به‌ویژه حزب‌الله لبنان می‌پردازد و حزب‌الله لبنان را به سبب نحوه رویکردی که در قبال مسائل مهم جهان اسلام رپیش گرفته است، پیش‌قراول ورود به مدرنیته اسلامی معرفی می‌کند.

۱۳. روح الدین

عنوان فرعی این کتاب «حدیدی نگاه اصلی کتاب را تصویر می‌کند: از تنگنای سکولاریسم به فراخنای این نگاه عبدالرحمان در این کتاب به یکی از مسائل اساسی انسان معاصر پاسخ می‌گوید به راه میان دین و سیاست است. او در این کتاب عقل مؤید را خطاب قرار می‌دهد و از عقلانیت مجرد و تنگناهای آن عبور می‌کند. همچنین، این کتاب به نحوی حاوی نظریه سیاسی عبدالرحمان است. او در این اثر، ضمن طرح نظریه ولایت فقیه امام خمینی (ره) به نحوی در مورد ارتقاء این نظریه برمی‌آید و آن را در قالب «ولایت فقیه تجربی» عرضه می‌کند.

۱۴. سؤال العمل

عبدالرحمان در کتاب قبلی‌اش، سؤال الأخلاق، به دنبال آن بود که اخلاق را با عقل مقدم سازد و ماهیت انسان را با اخلاق تعریف کند. او در کتاب سؤال العمل می‌خواهد بر روی تقدم عمل بر نظر نظریه‌پردازی کند. عبدالرحمان بر پایه همین تقدم عمل بر نظر، دیدگاه خود درباره رابطه علم و دین را مطرح می‌سازد و ضمن ارائه تعاریف مختار خود از علم و دین، به نسبت میان این دو می‌پردازد. همچنین، مراحل تعامل این دو را به لحاظ تاریخی بررسی می‌کند. آنچه بیان کردیم برخی تألیفات مهم طاها عبدالرحمان است، اما در سال‌های اخیر دو اثر دیگر نیز از او منتشر شده است که متن آن‌ها هنوز در اختیار نگارنده این مقدمه نیست: بؤس الذهرانیة (فقرمادیگری) و سؤال المنهج (پرسش از روش).

پروژه کلی و پروژه های جزئی تر طاها عبدالرحمان

طاها عبدالرحمان در حیات علمی اش پروژه هایی را دنبال می کند که در اینجا می خواهیم به آن ها بپردازیم. همچنین، پروژه عقلانیت را نیز در ضمن این موارد پی می گیریم.

عبدالرحمان پروژه اصلی خود را یافتن پاسخ های اسلامی به پرسش های معاصر معرفی می کند و در این باره ضمن بهره گیری از معارف موجود در زیست جهان عرب اسلامی، از دستاوردهای دنیای جدید نیز استفاده می کند. بهره گیری او از دستاوردهای دوران جدید عمدتاً استفاده از بخش روشی آن است. این امر اساساً به تخصص های عبدالرحمان و رشته های تحصیلی او برمی گردد که درباره منطق و مسائل آن است. البته، او در صورتی اجازه ورود این معارف غیربومی به درون فرهنگ عربی اسلامی می دهد که متناسب با اقتضائات زبانی، معرفتی و عقیدتی بومی سازی شوند. کریش، مدار همان به منطق و به کارگیری آن در کوران اندیشه ورزی اش ریشه دیگری نیز دارد. این به حرانی از درون سنت اسلامی منتسب است که می توان آن را ظاهرگرایی منطقی نامید. المهر رایی همان رویکرد اکثر اشاعره است که خروج از ظاهر متن را روا نمی دارند و بُعد حقیقی آن به رویکردی برمی گردد که با ابن تیمیه، ابن حرم اندلسی و امثال آن ها در جهان اسلام شروع شد. این رویکرد، ضمن طرد میراث یونانی در بخش فلسفه، بخش منطقی آن را پذیراست. همچنین، به لحاظ معارف دنیای جدید، با رویکرد فلسفه تحلیلی و مطالعات منطقی، تکرار بود. او این دو تأثیرپذیری را مقدمه طرح نظریات و نیز پاسخ های اسلامی به مسائل معاصر می دهد. این پروژه کلی در قالب پروژه های جزئی زیر خود را نشان داده است:

۱. فقه فلسفه

فقه فلسفه یکی از پروژه های فکری طاها عبدالرحمان است که بخشی از حیات و فعالیت علمی او را به خود اختصاص داده است. فقه فلسفه در پی آن است که با نگاه بیرونی به فلسفه، اسباب استقلال فکری و فلسفی را برای فرهنگ عربی به ارمغان آورد. عبدالرحمان فلسفه عربی را فلسفه ای ناکارآمد و عقیم معرفی می کند. او ورود فلسفه یونانی به جهان اسلام را نیز ورودی غیرعلمی و ناقص می داند. اشتباه نسل اولیه فیلسوفان و مترجمان اسلامی این بود که پنداشتند فلسفه به مثابه علم است

و لذا آن را جهان شمول و فراگیر قلمداد کردند. آنان از همین رو کوشیدند، در هنگام انتقال آن به جهان عرب، حتی دخل و تصرفی در ظاهر جملات و مضامین آن نیز نکنند. او می‌گوید: «همه اشتباه متعاطیان فلسفه اسلامی عربی در آن بود که تصور کردند فلسفه یونانی همه‌اش عبارت است، حال آنکه این فلسفه متضمن اشارت‌هایی نیز بود که به روح و تاریخ یونانی برمی‌گشت. همین باعث شد که فلاسفه عرب برای خود به حق فلسفیدن قائل نباشند و صرفاً به تقلید و حکایت فلسفه یونانی بسنده کنند.

عبدالرحمان به‌ویژه بر خصوصیت فلسفی خود با ابن‌رشد پا می‌فشارد و رویکرد و نگرش او، فلسفه را نگرشی تقلیدی معرفی می‌کند. او اساساً ابن‌رشد را فیلسوفی غربی می‌داند که صرفاً به زبان عربی می‌نویسد و می‌اندیشد. عبدالرحمان نه فلسفه یونان را جهانی می‌داند و نه فلسفه ناصرغرب را. او اختلافات بی‌شمار در میان مکاتب فلسفی و فیلسوفان را مؤید این حققت می‌داند که حتی در یک کشور نیز فلسفه‌های متعددی وجود دارد. مثلاً، فلسفه آلمانی فرانسوی صرفاً یک مکتب یا یک رویکرد عمومی ندارند. به عبارت دیگر، سخن از افرادی است که تفاوت‌های فاحشی در مبنا و در بنا با هم دارند. این دلیل تجربی تاریخی اساساً پنداره فلسفه جهانی را نفی می‌کند. البته، او درباره دلایل ادعای خود، یعنی نفی جهانی بودن فلسفه استدلال‌های معرفتی و زبان‌شناختی بسیاری ذکر می‌کند که در کتاب فقه فلسفه، جلد یکم و دوم، و نیز در کتاب الحق العربی فی الاختلاف الفلسفی به آن‌ها پرداخته است.

۲. ارزیابی و نوسازی به منظور بهره‌گیری از میراث

تجدید و نوسازی از مسائلی است که طاها عبدالرحمان به‌طور گسترده به آن‌ها پرداخته است. کتاب‌هایی که به‌طور خاص ذیل این پروژه جای می‌گیرند عبارت‌اند از: تجدید فلسفه منتهج فی تقویم التراث، فی أصول الحوار و تجدید علم الکلام و العمل الذینی و تجدید العقل. عبدالرحمان، به منظور طرح پاسخ‌های اسلامی برای مسائل معاصر، نوسازی را ضروری می‌داند. نوسازی مدنظر او غیر از تهی‌ساختن میراث از معنی واقعی و روح ویژه آن است که برخی روشن‌فکران معاصر به آن پرداخته‌اند.